

ارتباط معنادار آیه «تطهیر» با بناهای گنبدی و طاقی

در اماکن مذهبی

بی بی زینب حسینی^۱، ابوالفضل علیشاهی قلعه جوقی^۲

^۱ استادیار گروه الهیات دانشگاه یاسوج

^۲ دانشیار گروه الهیات دانشگاه یاسوج

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

ابوالفضل علیشاهی قلعه جوقی

Alishahi@mail.yu.ac.ir

چکیده

یکی از سبک‌های معماری قدیمی و کهن در دوران پیش از اسلام، سبک معماری طاقی بوده است، مسلمانان از این نوع معماری در ساخت انواع بناهای دینی مانند؛ مساجد، حرم ائمه اطهار علیهم السلام، مقبره ها،... بهره جسته‌اند. اماکن مذهبی اسلامی، محیطی است که مسلمانان برای کسب آرامش، نزدیک شدن به خدا، طهارت و پاکی باطن بدان مراجعه می کنند، حدیث کساء، یکی از معتبرترین و متقن ترین روایات در نزد شیعه و اهل سنت است، در این روایت توجه خداوند به افرادی که زیر رداء، چادر و یا همان عباء جمع شده‌اند، معطوف می‌شود و ایشان را از رجس و آلودگی پاک می کند. به نظر می رسد، بین استفاده از سبک معماری طاقی و گنبدی و مفهوم تطهیر و پاکی از گناه و بدست آوردن آرامش، ارتباط معناداری وجود داشته باشد. این پژوهش ابتدا به تاریخچه پیدایش بناهای طاقی، سپس میزان تأثیر فرهنگ قرآنی و اسلامی بر حیات و پویایی این نوع معماری می پردازد، سپس ارتباط معنادار آن با آیه تطهیر و در نهایت ارتباط عباء با توجه خداوند به انسان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: قرآن، بنای طاقی، معماری، عباء، آیه تطهیر، کساء.

مقدمه

آیه تطهیر (أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)، آیه ۳۳ سوره احزاب از آیاتی است که، برداشت‌های مختلف تفسیری زیادی از جانب مفسران و اندیشمندان مسلمان درباره آن ارائه شده است و شیعه در اثبات عصمت ائمه اطهار علیهم السلام بدان استناد می‌کند (مظفر، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۶۲؛ سبحانی، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۲۳۹؛ علم الهدی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۳۶؛ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۷۸). روایت سبب نزول این آیه به نام حدیث کساء، یا حدیث اهل عبا، یکی از مشهورترین و صحیح‌ترین روایات سبب نزول در بین شیعه (قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۹۳؛ کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰، ص ۳۳۲؛ نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۷۲؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۶۱؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۶۷...) و اهل سنت است (مسلم بن حجاج، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۴۴۲؛ نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۵۱؛ ج ۳، ص ۱۵۸؛ ابن حبان، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۴۳۲، ترمذی، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۵۲؛ احمد بن حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۳ و ۲۷۴؛ عسقلانی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۳۸؛ واحدی، ۱۴۱۱، ص ۳۶۷). این روایت به طرق متعدد و به گونه‌های مختلف وارد شده است، ولی در همه این روایات این مسأله وجود دارد و آن این که پیامبر اکرم P به خانه فاطمه زهرا سلام الله علیها رفت، و از او در خواست عبا و پوششی نمود و به ترتیب، او دو فرزندش حسنین علیهما السلام، دامادش علی O و دخترش فاطمه سلام الله علیها در زیر عبا قرار گرفتند، گفتگویی بین خداوند و پیامبرش و سپس جبرئیل فرشته بزرگ الهی به میان می‌آید. و سپس این آیه در شأن ایشان نازل می‌شود (أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا). روایت این گونه است: عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ عَنِ النَّبِيِّ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا قَالَ جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَ ثُمَّ أَدَارَ عَلَيْهِمُ الْكِسَاءَ فَقَالَ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا (ورام، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۴؛ ابن حیون، ۱۳۸۵، ج 1، ص ۳۵). در این پژوهش بر یک مسأله ویژه که از منظر حدیث شناسان به دور مانده است، دقت می‌شود و آن زیر عبا قرار گرفتن ایشان است، پرسش آن است چرا این پنج نفر زیر عبا گرد آمدند، آیا بین جمع شدن ایشان با نزول آیه تطهیر ارتباطی وجود دارد، آیا این مسأله با بناهای طاقی و گنبدی در اماکن اسلامی مانند مساجد، زیارت گاه‌ها و کاروان سراها در معماری اسلامی ارتباطی دارد؟

پرسشی که مطرح شد درباره علت زیر عبا و کساء قرار گرفتن و ارتباط این پوشش با نزول آیه تطهیر است، آیا امکان نزول این آیه و تطهیر اهل بیت و یا خاندان عبا در گوشه‌ای از خانه و در فضای باز، ممکن نبود، چه ضرورتی برای رفتن در زیر عبا وجود داشت؟

رهگیری واژگان طهارت، حجاب، کساء، عبا، قوس و بقعه در قرآن کریم و روایات به روشن شدن پاسخ این پرسش کمک می‌نماید.

بررسی واژگان کلیدی بحث

مفهوم طهارت در قرآن کریم مفهوم وسیعی است، و ابزار گوناگونی برای رسیدن به طهارت در قرآن کریم مطرح شده است، در برابر مفهوم طهارت، آلودگی و ناپاکی قرار دارد، پیدایش آلودگی نیز در گرو نادیده گرفتن اصول امنیت و سلامت است.

اگرچه در فقه و احکام شرعی طهارت اصطلاح فقهی است که به دنبال اجتناب از نجاسات و با انجام سه عمل وضو، غسل و تیمم به وجود می‌آید و پاک کننده‌ها در فقه آب، زمین، آتش، آفتاب، استحاله، انتقال، اسلام... است. (عاملی، بهاء الدین، ۱۴۲۹، ص ۸۰) ولی در قرآن کریم طهارت مفهومی وسیع‌تر و وابسته به شرایط بیشتری است.

در قرآن کریم، برخی اعمال منجر به طهارت می‌گردد، همچون زکات (خُدَّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا) (توبه: ۱۰۳)، دوری از شرک در آیه (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا) (توبه: ۲۸)، ازدواج در آیه (قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ) (هود: ۷۸)، کسب حلال در آیه (فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ) (کهف: ۱۹)، حجاب در آیه (إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ) (احزاب: ۵۳)؛ توبه در آیه، (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ) (بقره: ۲۲۲)، تقوی و کنترل نگاه در آیه (قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكُمْ أَزْكَى لِهِمْ) (نور: ۳۰) و... که از عوامل طهارت و زمینه ساز پاکی انسان و شرایط وابسته به او به شمار می‌آید. آن چه از میان عوامل زمینه ساز طهارت و پاکی در این کلام مورد توجه است، مسأله پوشش است، اگر چه طهارت و پاکی در گرو فراهم آمدن همه این عوامل در کنار یکدیگر است.

در قرآن کریم واژگان مختلفی نظیر لباس، خمر، جلباب، حجاب، ستر، کسوت، عبا وجود دارد، برخی از این واژگان در مفهوم حجاب و پوشش به کار رفته است و برخی در این مفهوم به کار نرفته است.

لباس، برای پوشاندن عیوب انسان از جانب خداوند، به عنوان نعمتی الهی فرود آمده است: (یا بنی آدم قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ) (أعراف: ۲۶). خداوند به زنان مسلمانان فرمان می‌دهد خود را در برابر نامحرمان با جلابیب و خمر بپوشانند: (وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمْرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ) نور: ۳۱ و نامحرمان برای حفظ پاکی و پاکدامنی از پشت حجاب با ایشان سخن بگویند: (إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ) (احزاب: ۵۳). بنابراین از آیات بدست می‌آید که بین پوشش و حجاب ارتباط مستقیمی وجود دارد، که برای پاک شدن و یا پاک ماندن لازم است، پوششی وجود داشته باشد.

واژه «جلباب» و «عبا» در این میان دارای مفهوم ویژه و خاصی است، واژه «جلباب» از ریشه رباعی «جلبب» در واقع شکل تغییر یافته‌ای از واژه جلب به معنای جذب کردن است. زیرا در زبان عربی اصل واژگان از ریشه‌های ثلاثی و ثنائی است (سامرائی، ابراهیم، ۱۴۱۳: ص ۴۱؛ عبدالنواب، رمضان، ۱۳۶۷: ۳۴۰). ریشه جلب در قرآن کریم دو مرتبه به کار رفته است: ریشه جلب به عنوان روش جذبی برای شیطان که با جنود رنگارنگ خود مردم را به سمت خود جذب نماید (وَ اسْتَفْزِرْ مَنْ اسْتَطَعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَ أَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَ رَجْلِكَ وَ شَارِكِهِمْ) (إسراء: ۶۴) و برای زنان مسلمان به عنوان پوششی که از سر تا پای آن‌ها را یکسره بپوشاند (یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكُمْ أَذْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا) (احزاب: ۵۹).

بنابراین کاربرد این ریشه در واژه جلابیب، نشان‌گر نوعی جذب و توجه و عنایت است، که می‌تواند به خاطر نوع پوشش و امتداد آن از سر تا پا باشد و می‌تواند به خاطر جذب غفران و رحمت الهی باشد. در بسیاری روایات کلمه جلابیب با واژه نور همراه شده است (خزاز، ۱۴۰۱، ص ۱۵۹؛ ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۴۲۴، طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۲۰؛ بحرانی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۶؛...). ترکیب پوشش نورانی، یا پوششی از نور نشان‌گر قدسی بودن این حجاب است.

واژه «عبا» به معنای توجه کردن (قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دَعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا) (فرقان: ۷۷) آمده که این ریشه در ارتباط با دعا و مناجات در قرآن کریم به کار رفته است. یعنی اگر دعای شما نباشد خداوند به شما توجهی نمی‌کند. در این جا این پرسش مطرح می‌شود که چرا واژه عبا برای یک بار در قرآن کریم آن هم در ارتباط با دعا به کار رفته است. چرا از واژگان مشابه مانند اعتنی، توجه،... که همین مفهوم را دارد و در قرآن نیز سابقه کاربرد دارد، استفاده نشد، آیا این ارتباطی با دعا کردن از زیر پوشش و عبا ارتباط ندارد؟ چرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و علی آله و سلم برای دعا کردن برای رفع آلودگی از اهل بیت خود به زیر عبا رفت و چنین خداوند خود را خواند: «اللَّهُمَّ هُوَلَاءِ أَهْلِ بَيْتِي، اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا» (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۳۶۸). این در حالی بود که امکان این دعا در محیط آزاد و بدون پوشش فراهم بود. بنابراین کاربرد واژه عبا، برای دعا به این معنا که توجه الهی بر انسان چون پوششی قرار می‌گیرد، ارتباط دارد. آیا ارتباطی بین نماز خواندن زکریا در محراب عبادت با استجابت دعای وی وجود دارد؟ (فَبَادِئُهَا الْمَلَائِكَةُ وَ هُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ) (آل عمران: ۳۹). کلمه محراب از ریشه حرب، به معنای سلب، وسیله‌ای برای اخذ و گرفتن است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۸)، خداوند از بندگان خواسته است که وی را با تضرع و به صورت پنهانی بخوانند. (ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ) (أعراف: ۵۵). آن چه از در نظر گرفتن همه این آیات به انضمام روایات به دست می‌آید، آن است که حجاب سبب توجه و اعتنای خداوند به انسان گشته و در نتیجه پاکی و طهارت وی را به دنبال دارد. به ویژه درباره زنان، ایشان را از آلودگی و گناه باز می‌دارد. عفت و پاکدامنی زنان، پاکی و طهارت خانواده را به دنبال دارد، بنابراین خداوند در آیه تطهیر ابتدا زنان را مخاطب قرار داده است که در خانه بنشینند و خود نمایی نکنند تا خداوند اهل خانه را از آلودگی برهاند و پاک نماید: (وَ قُرْآنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَ أَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ أَطِعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) (احزاب: ۳۳).

بر اساس آیات قرآن کریم، بر قلب بیمار گناه‌کاران پوششی قرار دارد، (حَتَّمَا اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ) (بقره: ۷)، که همواره آن‌ها را از راه حق باز می‌دارد، یا به عبارت دیگر همیشه امور معنوی و حقایق از آن‌ها پوشیده است، زیرا آن‌ها در پوشش الهی قرار ندارند. (وَ إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَجَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا) (إسراء: ۴۵)، ولی کسی که حجاب را برای پاکدامنی برمی‌گزیند، مورد عنایت و لطف الهی قرار می‌گیرد: (فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا) (مریم: ۱۷). در این جا عبارت «فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا» پس از عبارت «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا» آمده است، و حرف فاء بر خلاف ثم، علاوه بر ترتیب زمانی، نتیجه را نیز می‌رساند، بنابراین دیدن جبرئیل به دنبال رفتن در پوششی است که دیگران در آن قرار ندارند و گفته شده است، منظور از حجاب همان محراب عبادت بوده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۷۷).

از مجموع آن چه بیان شد، برمی‌آید؛ حجاب و عبا جاذب است. به این معنا که حجاب سبب جلب نظر لطف و رحمت الهی می‌گردد، بنابراین زنان در نماز اگر چه نامحرمی نباشد لازم است، حجاب داشته باشند، (بروجردی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۲۷۴؛ لنگرانی، ۱۴۲۵، ص

(۴۳۷) چون این حجاب هم سبب پاکی و طهارت می‌گردد که جزو شرایط نماز و تقرب خداوند است و هم دلیلی برای جلب نظر لطف و رحمت الهی است. حتی پوشیدن عبا برای مردان در نماز و غیر آن مطلقاً مستحب است (شهید ثانی، بی‌تا، ص ۲۱۱؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۹۱؛ عاملی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۶).

همین مفهوم یعنی توجه خاص خداوند و تطهیر در زیر کساء و پوشش قوسی شکل در آیات ۷-۱۰ سوره نجم خود را بهتر نشان می‌دهد: (وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ) اگر چه مسأله قاب قوسین در عروج پیامبر اکرم صلی الله علیه وعلی آله و سلم یک مسأله مادی نیست (خاتمی، احمد، ۱۳۷۰، ص ۱۷۷؛ ساجدی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۴۴)، ولی وصف این مرحله و مرتبه از دنو و قرب به خداوند با عبارتی ملموس بیان شده است. تفاسیر گوناگونی از این عبارات در کتاب‌های تفسیر ارائه شده است. برخی «دنو» را مربوط به پیامبر خدا و «تدلی» را مربوط به جبرئیل و یا خداوند (بلخی، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۱۶۰؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۵۶) دانسته‌اند، برخی دنو و تدلی هر دو را مربوط به پیامبر اکرم صلی الله علیه وعلی آله و سلم دانسته‌اند (نیشابوری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۷۷۱) ولی در هر صورت عبارت (فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ) در این جا مورد استناد و بررسی قرار می‌گیرد. برخی ترکیب «قاب قوسین» را به اندازه بازه کمان معرفی کرده‌اند، و آن را نمادی از مسأله قرب و دنو معرفی کرده‌اند، قوسین را ذارعین یا کمان عربی دانسته‌اند. ولی آن-چه فهم آیه را برای لغویون دچار مشکل کرده، دو نکته است:

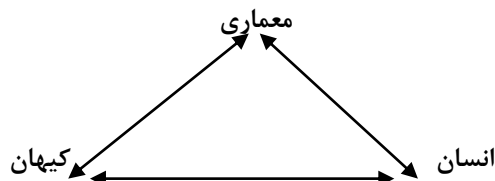
نخست مثنی آمدن قوس است، برخی گمان کرده‌اند منظور به اندازه دو کمان است. و برخی گمان کرده‌اند «قاب قوس» بوده است و تثنیه «قابان» به قوس منتقل شده است (جوهری، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۲۰۷) و آیه را از معنای ظاهر آن منصرف کرده‌اند، به معنای دو قاب در کمان دانسته‌اند. راه حل این مشکل در روایات موجود است و روایات می‌تواند، مفهوم این دو قوس را مشخص کند، «لما اسرى نبی الی السماء الرابعة نظرت الی قبة لها» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، ص ۳۱۱) دو قوس می‌تواند همان چهار رکن گنبد و سقف گنبدی باشد. چون یک گنبد حداقل متشکل از دو قوس است و در روایت معراج پیامبر خدا در آن شب، توصیف گنبدی از مروارید سفید را می‌کند. و در روایت آمده است که در زیر این گنبد فاطمه، علی، حسن و حسین علیهم السلام قرار دارند. در روایت دیگر پیامبر صلی الله علیه وعلی آله و سلم نام خود را نیز اضافه می‌کند: «قَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَنَا وَ فَاطِمَةُ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ع فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ فِي قُبَّةٍ بَيْضَاءَ وَ هِيَ قُبَّةُ الْمَجْدِ وَ شِيعَتُنَا عَنْ يَمِينِ الرَّحْمَنِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى» (طبری آملی، ۱۳۸۳، ص ۳۶۷؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۵، ص ۱۲۸) و از این جهت این روایت با مسأله حدیث کساء ارتباط نزدیکی می‌یابد.

دوم: واژه «قاب» را بیشتر لغویون و مفسران به معنای اندازه و مقدار گرفته‌اند، (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۴۲۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۶۲؛ شبیر، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۰۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۲۶۷) در حالی که معنای دیگر واژه قاب «حفره و فرو رفتن» است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۷) و آن چه در این آیه صحیح‌تر به نظر می‌رسد این معنا است، همان طور که برخی لغویون و مفسران نیز به آن اشاره کرده‌اند. یعنی پیامبر نزدیک شد و نزدیک‌تر تا آن که در این دو قوس فرو رفت و حتی نزدیک‌تر (فیضی دکنی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۳۰۰؛ ازهری، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۶۲).

بنا بر الفاظ به کار رفته در این آیات و قراین یاد شده این فرو رفتن در گنبد و قبه نورانی است، و با آن چه از آن به مقام قرب و یا تجرد از مادیات و فناء فی الله یاد شده است (طباطبایی، ج ۱۹، ص ۳۰؛ شیخ اشراق، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۴۹؛ آشتیانی، ۱۳۸۱، ص ۵۱۰) عروج از مقام کثرت به مقام وحدت مفهومی است که معماران و سازندگان مساجد از این نوع و سبک معماری یعنی گنبد ها و طاق ها بیان کرده‌اند. (حجازی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۶) در این جا لازم است اطلاعات مختصری درباره بناهای طاقی و گنبدها ارائه شود.

تاریخچه و شناخت بناهای طاقی و گنبدی

در نظام وحدت‌گرای جامعه اسلامی سنتی، معماری جایگاهی خاص می‌یابد، مبنای شناخت و درک معماری اسلامی که اصول معماری قدسی را از مسجد تا هر واحد دیگر و در نهایت تا خود طراحی شهرک و شهر گسترش می‌دهد، رابطه بین کیهان و انسان به مفهوم سنتی است و وانگهی این رابطه از اصل الهی که سرچشمه همه این واقعیت هاست، استمرار می‌یابد، و ریشه در آن دارد، به عبارتی دیگر از دید سنتی، انسان و کیهان خود محصول هنر قدسی‌اند، انسان، کیهان و معماری قدسی، نهایتاً وابسته به ذات الهی‌اند (معماربان، ۱۳۸۴، ص ۴۸۵).



بنابراین انسان در معماری از کیهان تأثیر می‌پذیرد، در حالی که کیهان و انسان خود مصنوع قدرت الهی هستند. این مسأله، یعنی تأثیرپذیری انسان از هستی در دیدگاه موراتوری مورد بررسی قرار خواهد گرفت، برای نشان دادن تأثیرپذیری انسان از امور قدسی در طراحی گنبد لازم است، ابتدا تعریفی از گنبد ارائه شود.

تعریف‌های گوناگونی از گنبد در کتاب‌های معماری ارائه شده‌است؛ گنبد‌ها و طاق‌ها سیستم‌هایی هستند که در آن‌ها انتقال نیروی وزن و سایر نیروها با مکانیزم فشاری و کمی نیروی خمشی توسط عناصر گوه‌ای شکل آجری یا خشتی یا سنگی انجام می‌گیرد. این نوع از سیستم‌های فشاری قوس، طاق، گنبد است. از بسط یک قوس در فضا یا در سه بعد شکلی به نام طاق بدست می‌آید در این حالت محیطی یکدست و بدون هرگونه تقاطع در فضای آن بدست خواهد آمد (معماری، ۱۳۶۷، ص ۲). گنبد حاصل استفاده بهتر از قوس است، گنبد از قوس‌های متعدد به طریقی ساخته می‌شود، که پایه‌ها دایره‌ای را تشکیل داده که نوک آن‌ها در وسط سقف یکدیگر را قطع کنند (والاشر، ۲۰۰۶، ص ۲۴).

بررسی تاریخ معماری نشان می‌دهد، بناهایی از چوب و پارچه با سقف‌های گنبدی و یا قوس‌دار از ابتدا برای امور دینی مورد استفاده بوده است، مثلاً یهودیان از خیمه مقدس برای عبادت و سجده کردن استفاده می‌کرده‌اند (هاکس، ۱۳۷۷، ص ۲۶۲) و یا مسیحیان، در تونل‌های متروک عبادت می‌کردند (شوازی، ۱۳۸۳، ص ۶۴).

خیمه، همان بیت المقدسی است که بنی اسرائیل در دشت بریا نمودند، (۲ سمو ۱۷:۶ و ۱ تو ۱۶: ۱) ولی خیمه اولی در جبعون باقی ماند، و معلوم نیست که سلیمان آن خیمه و خیمه داوود را به هیکل آورد یا نه. برخی بر آنند که عبرانیان خیمه برای سجده کردن بنا می‌کردند، و سه گونه بود، پافته از کتان، پوست بز و خز که خیمه مقدس بافته از کتان بود، خیمه قدس الاقداس در زیر یک خیمه بزرگ تر یعنی خیمه مقدس قرار می‌گرفت و قدس الاقداس را از محیط اطرافش جدا می‌کرد. یعنی دو سقف بر آن قرار می‌گرفت. و پرده مرقوم بر قدس الاقداس را حجاب مسمی می‌نامیدند (هاکس، ۱۳۷۷، ص ۲۶۲).

دوره مسیحیت سه قرن پیش از ظهور کنستانتین را بدون داشتن معبد پشت سر گذاشت، در خلال مدت این مراسم مذهبی در خانه‌ها صورت می‌گرفت، تنها ابنیه آن زمان عبارت بود از تونل‌های معادن متروکه که مسیحیان شهدای خود را در آن دفن می‌کردند، ویژگی مهم این تونل‌ها پوشیده ماندن از نگاه‌ها بود. (شوازی، ۱۳۸۳، ص ۶۴). سنت پولیوکتوس قسطنطنیه (۵۲۴-۷م) شاید اولین کلیسای بزرگ با شبستان گنبددار باشد (قزایی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۴). در دوره‌های بعد رومی‌ها احساس می‌کردند، که گنبد دانایی و احساس قدرت زیادی به وجود می‌آورد، بنابراین در ساختمان‌های مذهبی و دولتی از گنبد فراوان استفاده می‌کردند (والاشر، ۲۰۰۶، ص ۲۴) در ابنیه اسلامی در سوریه و فلسطین قدیمی‌ترین گنبد اسلامی باقی مانده، قبه الصخره بیت المقدس سال ۶۹۱ م یعنی سال ۷۲ ق بوده است (هیلین، ۱۳۸۶، ص ۳۸).

در دوره‌های بعد در ایران نیز بناهای گنبدی توسط مسلمانان ساخته شده است. برخی از مستشرقان ساخت این نوع ابنیه در ایران را مربوط به دوره ساسانیان می‌دانند، و اساساً بر این باورند، چیزی به نام معماری اسلامی مفهومی ندارد، این همان سبک معماری ایرانیان پیش از اسلام بوده است، که پس از فتح ایران، توسط اعراب در ایران به وجود آمده است (ویلیر، ۱۳۴۶، ص ۷۱).

برخی دیگر بر این باورند، که این سبک معماری نمی‌تواند از ایرانیان عهد ساسانیان باشد، زیرا آنچه در زمان ساسانیان مانند گنبد ساخته می‌شد در واقع یک شکل ابتدایی روی طرح مربع بود، با روش دور گرفتن انحرافی قسمت سفلی طاق با کمک یا بدون کمک سقف‌های زاویه مانند بنای بازه هور یا طاق‌های کوچک مخروطی که دهانه آن هیچ ربطی به هشت ضلعی ندارد. مانند بناهایی که در یزد وجود دارد، این فقط در دوره اسلام است که ساختمان منظم بر اساس استفاده از طرح هشت ضلعی ظاهر می‌شود؛ یعنی همان نوع ساختمان که شوازی از آن سخن می‌گوید. ولی در معماری اسلامی بنا بر چهار رکن و یا هشت رکن، یک شکل مشخص از معماری گنبدی و طاقی است، و نمی‌توان آن را با معماری عهد ساسانیان یکی دانست (گذار، ۱۳۶۹، ص ۱۸).

بی‌تردید مسلمانان معماری اسلامی را از معماری اماکن مذهبی مسیحیان در بیت المقدس اقتباس کردند و آن را تکامل بخشیدند و آن را با عنوان معماری اسلامی ارائه کردند، در قرون اولیه اسلام جنبه عادی مشابهی وجود داشت؛ زیرا گنبد‌های بی‌شماری در زیارت‌گاه‌ها و مساجد ساخته می‌شد، در روایات مسیحی اشارات متعددی به ارزش نمادی گنبد وجود دارد، وقتی بنی امیه و بنی العباس در فلسطین و سوریه از ساختمان‌های دینی مسیحی و طرز ساختن گنبد اقتباس کردند جنبه تقدس آن را نیز پذیرفتند، گنبد سنگی مسلمانان با قشری دو جداره در بیت المقدس نیز ساخته می‌شد که برای مسلمانان، یهودیان و مسیحیان مقدس بود (ویلیر، ۱۳۴۶، ص ۷۰)؛ اگر چه هم‌اکنون بین گنبد مسجد اسلامی با گنبد کلیسای مسیحی فرق مشخصی وجود دارد. در بناهای رومی و فرانسوی در سقف گنبد نورگیر وجود دارد، در حالی که در معماری اسلامی گنبد کاملاً پوشیده با مصالح است و نورگیر در مرکز گنبد دیده نمی‌شود (گذار، ۱۳۶۹، ص ۶۳). برخی علت نبود نورگیر را پنهان ماندن فضای خشک خارجی و برخی علت آن را استحکام گنبد و یا درون گرا بودن سبک معماری اسلامی دانسته‌اند (پیرنیا، ۱۳۶۲، صص ۱۳۶-۱۵۱). ذکر علت‌های مختلف برای پوشیدگی گنبد‌ها خود نشان از معنادار بودن و

سوال برانگیز بودن این نوع گنبدها و فضاها برای معماران دارد. ولی علت‌های یاد شده هیچ کدام قانع کننده نیست، زیرا گنبدهای باقی مانده از قرون وسطا علی رغم وجود نورگیر، دارای استحکام است، و یا گنبدهای سرپوشیده در بیت المقدس در مناطق سرسبز و معتدل است، و در فضایی خشک نیست، افزون بر این از نورگیر مرکز گنبد، فضای سرسبز یا خشک دیده نمی‌شود.

برجک نورگیر در گنبد کلیسای جامع فلورانس در مرکز گنبد قرار دارد، برجک نورگیر فراز گنبد و چهارنشین در کلیسای بخش خارجی مانند وسیع با حجم داخلی نیم استوانه‌ای که به عنوان پشت‌بند تحمل می‌کنند، نمایان‌گر دوره دیگری در معماری برونکسی‌اند، این نوع گنبدها در سال ۱۴۰۳، اولین بار توسط برونکسی در فلورانس به اجرا درآمد، پیدایش این سبک از معماری را سرآغاز معماری رنسانس دانسته‌اند، در سقف کلیساها نقاشی‌های مختلفی بیشتر نیمه برهنه یا کاملاً برهنه از آدم، نوح، عیسی علیهم السلام بخصوص از آثار میکل آنژ دیده می‌شود (هارت، ۱۳۸۶، ص ۱۵۵).

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد، گنبدها در کلیساهای باقی مانده از قرون وسطا در واقع حاصل تغییرات سبک معماری گوتیک است، که بعدها در معماری عصر رنسانس، و عصر مدرن هم دیده می‌شود، آن مسأله اتحاد بین فضاهای داخلی و فضاهای خارجی است، معماری گوتیک نوعی تداوم فضایی بین خارج و داخل را عملی می‌سازد، از دیدگاه زوی، معماران گوتیک در ایجاد فضا بلندادان و فرم بخشی به آن بدون اینکه در انقطاع تداوم آن خللی بوجود بیآورند، به موفقیت نائل شدند، در معماری گوتیک می‌توان این ویژگی‌ها را دید، کامل شدن سیستم ساختمانی، نفی دیوارها، تداوم فضایی بین داخل و خارج، برداشتن پیوسته‌ها، توسعه پذیری (معماریان، ۱۳۸۴، ۲۶۲)



نمای بیرونی از نورگیر مرکز گنبد کلیسا

نمای داخلی از نورگیر مرکز گنبد کلیسا

نخستین قرن پس از پیدایش اسلام سرشار از تأثیر بیزانسی بود و معماری آن نیز تا حد زیادی تحت تأثیر سوریه، فلسطین بود (قرایی، ۱۳۸۸، ص ۲۰). در سرتاسر عالم اسلام کانون زندگی دینی مسجد یا سجده‌گاه بود، در شهرهای بزرگ مساجد عمده را مسجد جامع یا مسجد جمعه می‌گفتند، با این حال مسجد فاقد ساختار واحد است که در همه جا یکسان باشد، و چیزی با نام مسجد اسلامی وجود نداشته است و تنها انواعی از مساجد محلی وجود داشته است (ایتنگهاوزن، ۱۳۹۰، ص ۲۸). عرب در دوره اسلامی میراث‌دار سنت بزرگ و قویم معمارانه‌ای نبود، و در نتیجه دستاوردهای عظیمی در این هنر برای عرضه به اقوام دیگر نداشت (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۴۳).

گفته شده است که هنر آسیای صغیر، اولین بار در سنت صوفی قسطنطنیه ظاهر گردید، در واقع یک ادغام کند بین بازلتیک چوبی و کلیسای گنبددار صورت گرفته است و سبک مساجد یا کلیساهای گنبددار به سوریه راه یافته است (شوازی، ۱۳۸۳، ص ۶۵). معماری سوریه بدون آن که هرگز بازلتیک با بام‌های سنگ فرش روی طاق را متروک گذارد، در قرن پنجم میلادی گنبد را مورد استفاده قرار می‌دهد، و به ندرت دیده می‌شود که طرح چهارگوش را به کار برده باشد، کلیسای «سن ژرژ» در ازرا، نمونه کلیسای سوری با گنبد است. گنبد روی طرح هشت ضلعی توسط تکیه‌گاه‌های سنگی حمل شده است، ارتفاع نیم رخ آن خیلی بیشتر از گنبد ایرانی است (شوازی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۰).

در فهم معماری و خواندن معماری شهرها و گونه شناسی آن رویکردهای مختلفی وجود دارد، رویکرد، تاریخی، جغرافیایی، زیستی، شکلی و ... یکی از این روش‌ها، دیدگاه موراتوری‌هاست. از نگاه موراتوری‌ها معلم اصلی انسان در ساخت و ساز طبیعت است، او از طبیعت فرا می‌گیرد، و در آن به ساختن می‌پردازد (معماریان، ۱۳۸۴، ص ۱۷۸). موراتوری‌ها با نگاهی جامع‌تر از شکل‌گرایان و اقلیم‌گرایان به معماری می‌نگرند، آن‌ها برای طراحی نگرش و روش خود از علوم زیست‌شناسی، جغرافیا و تاریخ بهره گرفته‌اند، و با پیوند آن‌ها به تفکرات فلسفی کروچه، کانت، هایدگر برخی دیگر از فلاسفه معاصر عمق بیشتری به نگاه خود داده‌اند، نگاه ریشه‌ای‌تر آن‌ها به بحران معماری معاصر و ارایه نظریه فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی و ارایه راه حل بحران موید این نظر است. انسان و طبیعت دو عضو اصلی کار موراتوری‌ها می‌باشند، انسان موجودی است که کاملاً از طبیعت نقش می‌پذیرد، و مقلد اوست، او هنگامی که از طبیعت می‌آموزد، اقدام به

ساخت در طبیعت می‌کند، منبع ادراکی انسان ضمیر ناخودآگاه و خودآگاه اوست طبیعت پدیده‌ای است که دارای نظم و قوانین خاص خود است، انسان با فراگیری این نظم و قوانین اقدام به ساخت بنایی می‌کند، که دارای همان نظم و قوانین طبیعی است، انسان با دیدن غار و درخت اقدام به ساخت در طبیعت می‌کند، که ریشه تمامی بناها می‌باشند، غارها نمونه بناهایی با مصالح یا ساختمایه سنگین می‌باشد، و درخت‌ها الگوی بناهای چوبی در تمامی طول تاریخ هستند. انسان مورد نظر موراتوری‌های انسانی است. خاکی و مخلوق مطلق طبیعت است او هیچ رابطه‌ای با خالق ندارد و طبیعت نیز به همین گونه پدیده‌ای خود ساخته است (معماریان، ۱۳۸۴، ص ۱۸۶).

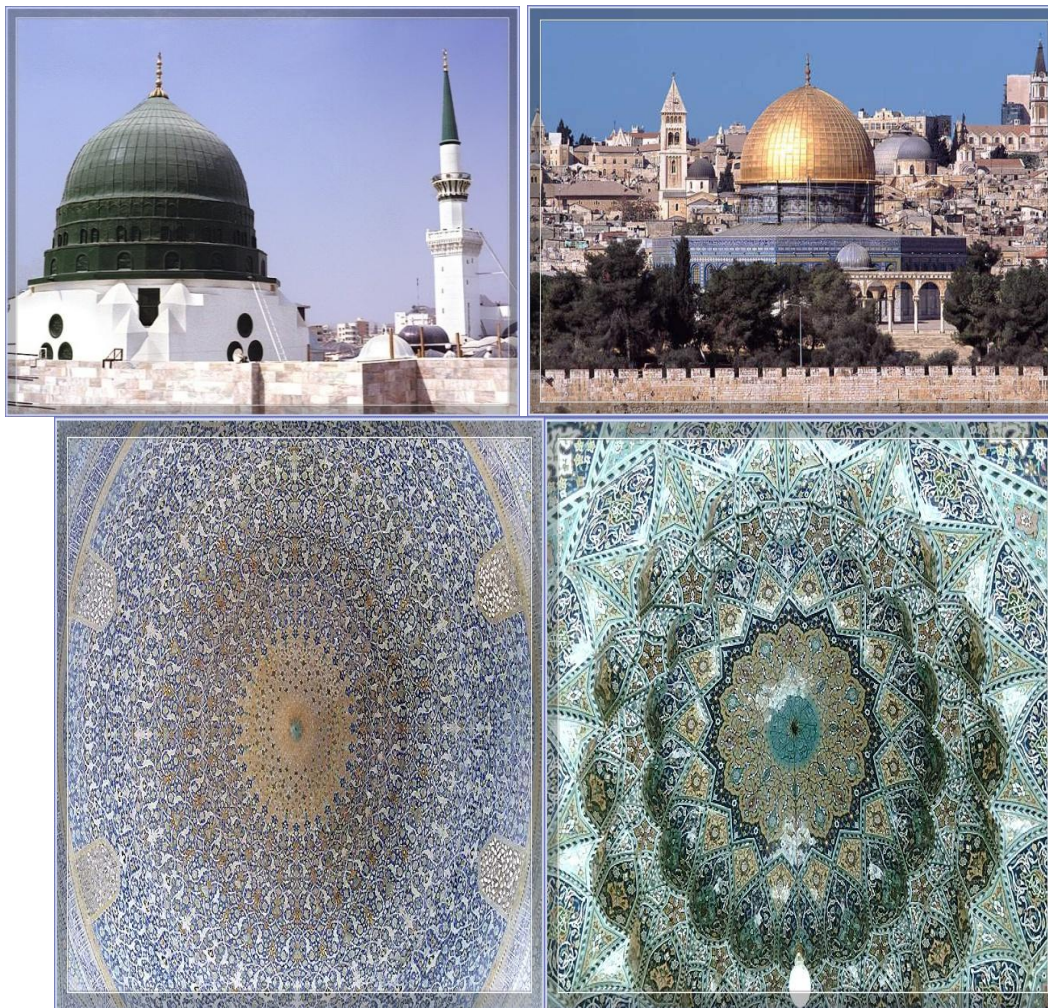
اگر چه این دیدگاه مورد تأیید یک مسلمان نیست، ولی این حقیقت که هنر و معماری محصول اندیشه انسان و انسان متأثر از بسیاری از عوامل مانند مذهب، اعتقاد، اخلاق، اقلیم، است، تردیدی نیست، ساخت بناهای گنبدی در بین مسلمانان و یا مسیحیان و یا یهودیان صرف نظر از تعصبات دینی، ملی، بی‌تردید متأثر از عوامل مذهبی است، زیرا پیدایش این نوع ابنیه علت دینی و مذهبی داشته است. این که مسلمانان ساخت گنبدها را مسیحیان آموختند، یا خود اقدام به ساخت آن کردند، نیز مسأله مهمی نیست، مسأله اصلی علت استفاده از این نوع معماری در ساخت بناهای دینی، و تأثیر پذیری از آموزه‌های قدسی و معنوی در ساخت کلیسا یا مسجد است.

آن چه از آیات و روایات بر می‌آید، گنبد، یا چادر یا بقعه، پیشینه‌ای بسیار کهن دارد و به زمان حضرت آدم باز می‌گردد، در واقع نوع چنین پوششی خیلی پیش‌تر از مسیحیان کاربرد داشته است، اگرچه هیچ اثری از آن زمان باقی نمانده است، ولی وصف دقیقی که از ساخت خیمه مقدس در بین تورات وجود دارد (۲ سمو ۱۷: ۶ و ۱۶: ۱) می‌تواند نشان‌گر وجود بنای گنبدی شکل حداقل از زمان حضرت یعقوب، موسی و سلیمان علیهم السلام داشته باشد، مهم‌ترین دلیل قرآنی بر این مسأله وجود واژه بقعه به معنای قطعه‌ای مبارک از زمین یا چادر مقدس در زمان حضرت موسی علیه السلام است. (فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْأَوْدِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ) (قصص: ۳۰). واژه خیمه مقدس بارها در تورات به کار رفته است. ممکن است شکل ساخته گنبد به صورت یک بنا، سال‌ها بعد به وجود آمده باشد، ولی واژه بقعه، قبه، قوس آن قدر در روایات اسلامی به ویژه در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و علی آله و سلم به کار رفته است، که نمی‌توان آن را بنایی ناشناخته و مبهم دانست، و یا آن را مربوط به دوران بنی امیه و یا بنی العباس دانست. در روایات آداب دعا کردن مسلمانان دعوت شده‌اند که در مساجد و بقاع متبرکه پروردگار خود را بخوانند (شهید اول، ۱۴۱۰، ص ۲۵۹). نام گذاری قبرستان بقیع از صدر اسلام به این نام خود قرینه‌ای دیگر بر وجود بقاع می‌تواند باشد، اگر چه ممکن است، شکل این گنبدها بسیار ابتدایی و یا مصالح آن از درخت خرما، چوب، پوست حیوانات بوده باشد.

اصطلاح چادر کیهانی، چتر الهی، بیضه کیهانی، جام آسمانی، نام‌های گوناگونی بوده است که به بناهای طاقی و گنبدی اطلاق می‌شده است. گنبد یک صورت زنده است، ایده‌ای است که در امکانات مادی تجلی می‌کند، در پیشینه صحرا نشینی، گنبد، شبیه ساختمان‌های گنبدی بوده است که از اسکلت گرد چوبی ساخته می‌شدند، و روی آن‌ها با پارچه پوشیده می‌شد (حجازی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۶). بنابراین خارج از تعصبات بومی و یا مذهبی که پیدایش این نوع ابنیه را به ایرانیان دوران ساسانیان، یا مسیحیان و یا یهودیان و یا مسلمانان دانست، بایست پیدایش گنبد و یا تصویری از این بنا را کهن‌تر و از زمان حیات بشری دانست. هر بنا و یا سازه در نظام مهندسی با توجه به یک یا چند نیاز سازنده بنا به وجود می‌آید، هر طرحی در معماری پاسخ‌گوی بخشی از نیازهای انسان سازنده بنا است. ارتباط بین عملکرد و سازه با ارتباطی که به نوعی پیوند با عملکرد فضاها و بناهای عمومی و مسکونی بنا بر آن چه متقاضی خواسته می‌شود، دارد. به عبارت دیگر نیازها همیشه سازنده و محرک برای پیدا کردن روش‌های نو در ساخت سازه‌ها بوده‌اند (معماریانی، ۱۳۶۷، ص ۶۳) انسان از ابتدای خلقت خود نیاز به مکانی برای پرستش، آرامش و طهارت را در خود احساس کرده است و برای پاسخ گفتن به این نیاز بی‌تردید راه-کارهایی را یافته است (شقاقی، ۱۳۸۴، ص ۴۸). پیدایش بناهای طاقی و گنبدی پاسخی برای رفع این نیاز بوده است و نمی‌توان آن را به آیین و یا ملت خاصی مختص دانست، در اسلام گنبد علامت خاص قدرت روحانی است (ویلیر، ۱۳۴۶، ص ۷۱).

هنر هر ملت انعکاس روح دسته‌جمعی همه مردم و تجلی نمایان ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی است که آن را رهبری می‌کند و تاریخ تمدن یک جامعه را می‌سازد (همان، ص ۷۹). با ظهور اسلام در جوامع اسلامی ساختن مساجد از کارهای واجب برای اجتماعات مسلمانان گردید (همان ص ۱۳۰). طاق‌ها در سیر تحول معماری مساجد و مصلها از صدر اسلام تا کنون در درب ورودی یک دعوت عابر به درون بوده است. گنبد آخرین مرحله در ورود به مسجد پس از عبور از هشت ضلعی صحن است (مقصودی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۸). گنبد وقتی مورد توجه قرار گرفت که در بالای ساختمان‌های عظیم ساخته می‌شد، که با جنبه تقدس بنا ارتباط پیدا کرد (ویلیر، ۱۳۴۶، ص ۷۱).

اگر چه بناهای طاقی در مساجد و زیارتگاه‌های ایرانی و سایر کشورهای اسلامی به لحاظ هنر داخلی مانند کاشی‌کاری، گچ‌بری و سنگ تراشی، ممکن است با یکدیگر متفاوت باشد، ولی ویژگی‌های مشترکی در این ابنیه وجود دارد، مانند نبود نورگیر در مرکز گنبد و یا بنای طاقی، استفاده از چهار ضلعی و یا هشت ضلعی منظم که این ویژگی‌ها نشان‌گر شکل خاصی از نیاز انسان در اماکن اسلامی است، و آن نیاز به پاک شدن و رهایی از آلودگی‌ها، قرب خداوند و آرامش یافتن است.



انسان در مکانی به آرامش و احساس امنیت دست می‌یابد، که عوامل خطر ساز از وی دور شود، مسجد در زبان عربی به معنای محل سجده و سجده به تواضع همراه با آرامش است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۳۳). مساجد خداوند همیشه محلی امن برای بندگان است، بنابراین روشن و بدیهی است، این آرامش تنها در پرتو پاکی و طهارت برای انسان به وجود می‌آید، بنابراین خداوند مسجد الحرام را محلی امن برای مسلمانان قرار داده است (وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا) (بقره: ۱۲۵) و از ورود مشرکان پلید و خطرناک به مسجد نهی نموده است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَمِهِمْ هَذَا) توبه: ۲۸. بنای گنبدی و طاقی برای رفع این نیاز مهم یعنی آرامش و طهارت به وجود آمده است، و با آماده سازی شرایط توجه و عنایت الهی برای پاک نمودن وجود انسان، دستیابی به این هدف مهم را آسان می‌سازد و این هدف مشترک بین خداوند و بنده اوست: (مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَ لِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ) (مائده: ۶).

در قرآن کریم، معماری و ساخت بنای مساجد، کاری مهم و حساس است، که تنها مؤمنان حقیقی سزاوار آن هستند: (إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ) (توبه: ۱۸) و منافقان و کافران شایستگی انجام چنین کاری ندارند، (مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ) (توبه: ۱۷). این دستورات قرآن کریم است، که روح معماران مسلمان را صیقل می‌داد، و سازندگان مساجد و زیارت‌گاه‌ها علم و هنر و ایمان را با اثری زیبا و ماندگار در طاق‌ها، گنبد‌ها، دیوارها، با نقوش زیبا و آیات قرآنی همراه می‌ساختند، و این هماهنگی سبب آرامش نمازگزار و زائر می‌گردد و روح خسته و پریشان وی را آرام می‌بخشد. بنابراین آموزه‌های دینی یاد شده، درباره نقش پوشش بر طهارت و آرام‌بخشی انسان بر سبک معماری مسلمانان در ساخت گنبد‌های سرپوشیده و بدون نورگیر در فضای مسجد تأثیر داشته‌است.

دستاوردها

بررسی دقیق واژگانی که مربوط به پوشش است، نشان می‌دهد که نوعی خاص از پوشش یعنی عبا برای انجام یک فعالیت نمادین در روایت مشهور کساء به کار رفته است و این نوع پوشش به لحاظ شکل، ویژگی‌ها با بناهای طاقی و گنبدها در معماری اسلامی دارای ارتباط معناداری است. طهارت در حوزه مفهومی قرآن کریم وابسته به شرایط گوناگونی است، یکی از اموری که شرایط طهارت، پاکی و در نتیجه توجه و عنایت خداوند را فراهم می‌آورد پوشیدگی است. معماری، متأثر از اندیشه و تفکر انسان است، و وقتی معمار مسلمان و یا یک انسان دیندار باشد، بی‌تردید، معماری او متأثر از باورهای دینی او خواهد بود، مسأله‌ای که به وضوح در معماری اماکن دینی مانند مساجد، بقاع و یا حتی کلیسا دیده می‌شود. در آیه ۹ سوره نجم به صراحت از یک گنبد معنوی سخن به میان می‌آید، که به دنبال نزدیک شدن پیامبر به این گنبد یا رتبه معنوی، شایستگی معرفت وحیانی در وی به حقیقت می‌پیوندد، این قوس، و پوشش با رعایت عمل صالح می‌تواند سبب جلب نظر لطف و رحمت الهی و در نتیجه پاکی و طهارت و دوری از گناهان و استجاب دعا گردد.

توجه به لزوم پوشش به عنوان شرطی در طهارت بر فرهنگ عمومی مسلمانان از صدر اسلام در نحوه پوشش و معماری تأثیرگذار بوده است و این ویژگی به صورت محسوس در جوامع مختلف اسلامی قابل مشاهده است. طبیعی است، اثر پاک‌کنندگی و آرام‌بخشی این پوشش برای کسی است که ایمان به خدا داشته باشد، و عمل صالح انجام دهد. بنابراین معماری به عنوان جزئی از فرهنگ انسانی، برگرفته از باورهای دینی انسان‌هاست. و این یک باور دینی است، که عبا یا خیمه با همان شکل گنبدی یا قوس‌دار، می‌تواند در کسب آرامش برای انسان تأثیرگذار باشد، رفتن به زیر پوششی که ارتباطی با فضای خارجی ندارد، یا رفتن زیر عبایی که توجه انسان از غیر خدا قطع شود، و فقط توجه به او معطوف شود، آرامش و طهارت می‌آورد، بنابراین قرار دادن نورگیر در رأس گنبد، و یا نقاشی‌های خیره‌کننده در سقف کلیسا، می‌تواند حرکتی در جهت خلاف هدف از ایجاد این نوع اماکن باشد، در قرآن کریم سجده بهترین حالتی است که انسان به خداوند نزدیک می‌شود: (كَلَّا لَا تُطِغُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ) (علق، ۱۹). شاید این مسأله که انسان در حالتی کاملاً پوشیده قرار می‌گیرد، که توجه او هر چه بیشتر به خداوند معطوف می‌شود و از غیر او منصرف می‌گردد و وی را به خداوند نزدیک‌تر می‌کند. بنابراین حفظ این ویژگی در مساجد مسأله مهمی است و نباید کارکرد مهم آن به خاطر مسائل جانبی مانند کم‌تر کردن هزینه‌ها، یا مانند آن نادیده گرفته شود.

منابع و مراجع

- [۱] قرآن کریم
- [۲] ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲، خصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۳] _____، ۱۳۹۸ق، التوحید، قم، جامعه مدرسین.
- [۴] _____، ۱۳۹۵، اکمال الدین، تهران، انتشارات اسلامیة.
- [۵] ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا، ۱۴۰۴ق. معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، بیروت، مطبعة الاعلام الاسلامی.
- [۶] ابن قولویه، ۱۳۵۶، کامل الزیارات، نجف اشرف، دار المرتضویة.
- [۷] ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۵ق، لسان العرب، قم: نشر الادب الحوزة.
- [۸] ایننگهاوزن، ریچارد، ۱۳۹۰، هنر در جهان اسلام، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران، نشر بصیرت.
- [۹] ابن حنبل، احمد، بی تا، مسند احمد بن حنبل، بیروت، دار الصادر.
- [۱۰] اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱، کشف الغمّة، تبریز، بنی هاشمی.
- [۱۱] اردبیلی، ۱۴۰۳، مجمع الفائده و البرهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۱۲] ازهری، محمد بن احمد، بی تا، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۱۳] آشتیانی، سید جلال الدین، ۱۳۸۱، شرح بر زاد المسافر، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- [۱۴] آمدی، سیف الدین، ۱۴۲۳، اباکار الانکار فی اصول الدین، قاهره، دارالکتب.
- [۱۵] بحرانی اصفهانی، عبد الله، ۱۴۱۳، عوالم العلوم و المعارف، تصحیح موحد ابطحی، قم، موسسه امام المهدي.
- [۱۶] بحرانی، سید هاشم، ۱۳۷۴، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، قسم الدراسات الاسلامیة موسسه البعثة.
- [۱۷] بروجردي، آقا حسین، ۱۴۲۶، فقه استدلالی، قم، گنج عرفان.
- [۱۸] بستنی، ابن حبان، ۱۴۱۴، صحیح ابن حبان، بیروت، موسسه الرسالة.
- [۱۹] بلخی، مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۲۰] پیر نیا، کریم، ۱۳۶۲، معماری مساجد ایران راهی به سوی ملکوت، فرهنگ و هنر، ش ۳.
- [۲۱] ترمذی، محمد بن عیسی، بی تا، السنن، تحقیق احمد شاکر، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۲۲] تمیمی آمدی، عبد الواحد، ۱۳۶۶، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- [۲۳] جوهری، اسماعیل بن حماد، بی تا، الصحاح، بیروت، دار العلم الملايين.
- [۲۴] حجازی، مهرداد، ۱۳۸۰، معماری مساجد، مجموعه مقالات، تهران، دانشگاه تهران.
- [۲۵] حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، وسائل الشیعة، قم، موسسه آل البيت.
- [۲۶] حرانی، ابن شعبه، ۱۴۰۴، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۲۷] حسکانی، عبید الله بن عبد الله، ۱۴۱۱، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، احیاء الثقافة.
- [۲۸] خاتمی، احمد، ۱۳۷۰، فرهنگ علم کلام، تهران، انتشارات صبا.
- [۲۹] خرازی، علی بن محمد، ۱۴۱۰ق، کفایه الاثر فی النص علی الاثمه الاثنا عشر، قم، نشر بیدار.
- [۳۰] زمرشیدی، حسین، ۱۳۶۷، طاق و قوس در معماری ایران، تهران، موسسه کیهان .
- [۳۱] ساجدی، سید جعفر، ۱۳۷۳، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- [۳۲] سامرائی، ابراهیم، ۱۴۱۳؛ العربیة تاریخ و تطور، بیروت، مکتبه المعارف.
- [۳۳] سبحانی، جعفر، ۱۴۲۵، رسائل و مقالات، قم، موسسه امام صادق علیه السلام.
- [۳۴] سهوردی، ۱۳۷۵، مصنفات شیخ اشراق، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- [۳۵] شبر، سید عبد الله، ۱۴۰۷، الجوهر الثمین، تفسیر الکتاب المبین، کویت، مکتبه الالفین.
- [۳۶] شریف مرتضی، ۱۴۱۰، الشافی فی الامامة، قم، موسسه امام صادق علیه السلام.
- [۳۷] شقاقی، پژمان، ۱۳۸۴، کالبد خدایان، تهران، قصیده سرا.

- [۳۸] شهید اول، محمد بن مکی، ۱۴۱۰، المزار، قم، موسسه الامام مهدی علیه السلام.
- [۳۹] شهید ثانی، زین الدین، بی تا، روض الجنان فی شرح ارشاد الازهان، قم، موسسه آل البيت.
- [۴۰] طباطبایی، صالح، ۱۳۹۰، سیری در هنر ایران، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۴۱] طباطبایی، محمد حسین، ۱۴۱۷، میزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۴۲] طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ق، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی.
- [۴۳] طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- [۴۴] طبری آملی، بهاء الدین، ۱۳۸۳، بشاره المصطفی، نجف، مکتبه الحیدریه.
- [۴۵] طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۴۶] _____، ۱۴۱۴، الامالی، قم، دار الثقافه.
- [۴۷] عاملی، بهاء الدین، ۱۳۹۰، الحبل المتین فی احکام الدین، قم، کتابفروشی بصیرتی.
- [۴۸] _____، ۱۴۲۹، جامع عباسی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۴۹] عاملی، علی بن الحسین، ۱۴۱۳، الوجیز فی تفسیر القرآن الکریم، قم، دارالقرآن الکریم.
- [۵۰] عبد التواب، رمضان، ۱۳۶۷، مباحث در فقه اللغه و زبان شناسی عربی، ترجمه: حمید رضا شیخی، تهران، معاونت فرهنگی آستان قدس.
- [۵۱] عسقلانی، ابن حجر، بی تا، فتح الباری، بیروت، دار المعرفه.
- [۵۲] فیض کاشانی، محسن، ۱۴۱۵، الصافی، تهران، انتشارات صدر.
- [۵۳] فیضی دکنی، ابوالفضل، ۱۴۱۷، سواطع الالهام، قم، دارالمنار.
- [۵۴] قزایی، سمانه، ۱۳۸۸، معماری اروپا قبل از رنسانس، تهران، نشر مقدس.
- [۵۵] _____، ۱۳۸۸، معماری اسلامی، تهران، نشر مقدس.
- [۵۶] قشیری، مسلم بن حجاج، بی تا، صحیح مسلم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۵۷] قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴، تفسیر قمی، قم، دار الکتب.
- [۵۸] کبیر مدنی، سید علیخان، ۱۴۰۹، ریاض السالکین فی شرح الصحیفه الساجدین، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۵۹] کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، تهران، موسسه الطبع و النشر فی وزارة الارشاد الاسلامی.
- [۶۰] گدار، آندره، ۱۳۶۹، طاق های ایرانی، ترجمه کرامت الله افسر، تهران، فرهنگ سرا.
- [۶۱] لنکرانی، محمد فاضل، ۱۴۲۵، فقه فتوایی، قم، انتشارات امیر قلم.
- [۶۲] مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۶۳] محمد بن ابراهیم، ابن ابی زینب، ۱۳۹۷، الغیبه النعمانی، تهران، نشر صدوق.
- [۶۴] مظفر، محمد حسین، ۱۴۲۱، دلائل الصدق، قم، موسسه آل البيت.
- [۶۵] معماریانی، ۱۳۸۴، غلامحسین، سیری در مبانی نظری معماری، تهران، نشر سروش.
- [۶۶] معماریانی، غلامحسین، ۱۳۶۷، نیارش سازه های طاقی، در معماری اسلامی ایران، مشهد، سازمان میراث فرهنگی .
- [۶۷] مقصودی، غلام رضا، ۱۳۷۸، سیر تحول مساجد و مصلاها، تهران، نشر شهیدی.
- [۶۸] نیشابوری، ۱۴۱۵، ایجاز البیان عن معانی القرآن، بیروت، دار الغرب الاسلامی.
- [۶۹] نیشابوری، محمد بن عبد الله، ۱۴۱۱، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- [۷۰] واحدی، علی بن احمد، ۱۴۱۶، اسباب النزول، تحقیق زغلول، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- [۷۱] والاشر، هیلر، ۲۰۰۶م، طرح و رسم معماری، ترجمه هرمز معزز، تهران، نشر آمون.
- [۷۲] ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، ۱۴۱۰، مجموعه ورام، قم، مکتبه فقهیه.
- [۷۳] ویلبر، دونالد، ۱۳۴۶، معماری اسلامی ایران، ترجمه دکتر عبد الله زیار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- [۷۴] هارت، فردریک، ۱۳۸۶، تاریخ هنر رنسانس در ایتالیا، ترجمه هرمز ریاحی، تهران، کتابسرای تندیس.
- [۷۵] هیلن بند، رابرت، ۱۳۸۶، هنر و معماری اسلامی، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران، انتشارات روزنه.